

بررسی مفهوم کودک سرباز در حقوق بین‌الملل

امیر حایری^۱

چکیده

جنگ‌ها و تبعات آنها عمیق‌ترین تاثیرات را بر کودکان تحمیل می‌سازند. کودکانی که هیچگونه نقشی در برپایی مخاصمات نداشته‌اند، و بطبع نیز هیچ نقشی در وضع قوانین جنگ و مطالبه آنها نیز ندارند. جدا از پیامدهای بسیار گسترده و شوم جنگ یکی از شرم‌آورترین پیامدهای آن بکارگیری رذیلانه کودکان در جنگ می‌باشد. سوء استفاده از کودکان بواسطه روح کودکانه و عمر ناپخته‌شان بسیار آسان می‌باشد. کودکان، قربانیان اصلی جنگ‌ها هستند. کودکانی که وقوع جنگ و درگیری‌های مسلحانه ناگهان به میانه کارزاری سوق داده می‌شوند که هیچ تناسبی با دوران کودکی آنها ندارد. امروزه یکی از چالش‌های اساسی مطرح در حوزه حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشردوستانه، بکارگیری فزاینده کودکان بعنوان سرباز در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه داخلی است. به‌رغم اینکه نظام بین‌المللی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر با محوریت ممنوعیت استخدام و استفاده از کودکان در نبردهای مسلحانه حاوی مقررات بین‌المللی وافر است اما جامعه جهانی همچنان شاهد حضور فزاینده اجباری و حتی داوطلبانه کودکان سرباز در درگیری‌های مسلحانه معاصر است.

واژگان کلیدی: کودک، سرباز، سازمان ملل متحد، کنوانسیون‌های ژنو

^۱ کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل amirhaieri@gmail.com

مقدمه

براساس آمار سازمان ملل متحد در حال حاضر بیش از ۲۵۰ هزار کودک سرباز در ۱۴ کشور جهان وجود دارند. ده سال قبل در ۲۰ کشور جهان از کودکان سربازگیری می‌شد، اما پس از امضای سندی بین‌المللی برای "منع استفاده نظامی از افرادی که پایین‌تر از سن ۱۸ سال هستند". در سال ۲۰۰۷ زمانی که این پروتکل توسط ۱۰۵ کشور جهان در پاریس امضا شد نیز بیش از ۲۵۰ هزار سرباز کودک در جهان برآورده شده بود. با این حساب هنوز هم سربازگیری از کودکان به همان منوال ادامه دارد. سازمان ملل متحد خواهان تلاش بیشتر کشورها در زمینه منع این امر شده است. گروه‌های مسلح از کودکان به شیوه‌های گوناگونی برای مقاصد نظامی بهره می‌گیرند کودک سربازانی که بطور مستقیم در عملیات‌های نظامی شرکت می‌کنند. کودکانی که در تدارکات یا بعنوان نگهبانان، جاسوسان، پیام‌رسانان و بردگان جنسی توسط نیروهای مسلح مورد بهره‌برداری و سوءاستفاده قرار می‌گیرند. کودکانی که از آنان برای تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا) استفاده می‌شود (آنتونی، ۱۳۸۲: ۸۵).

در طول تاریخ و در بسیاری از کشورها و فرهنگ‌ها استفاده از کودکان برای مقاصد نظامی صورت می‌گرفته و در برخی مناطق جهان همچنان ادامه دارد. بعنوان مثال در جنگ جهانی اول در بریتانیا ۲۵۰ هزار پسر کمتر از ۱۸ سال به ارتش پیوستند. در جنگ جهانی دوم نیز در سراسر اروپا کودک سربازان با نیروهای مخالف می‌جنگیدند. جامعه جهانی از دهه ۷۰ میلادی با کنوانسیون‌های بین‌المللی بر آن شد تا مشارکت کودکان را در درگیری‌های مسلحانه محدود و ممنوع کند (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۵).

چرا کودکان

گرچه بزرگسالان نسبت به کودکان توانایی بدنی بالاتری دارند و آموزش آنان نیز با سرعت بیشتری صورت می‌گیرد، اما بسیاری از گروه‌های مسلح برآنند تا کودکان را برای مقاصد نظامی پرورش دهند و به استخدام خود درآورند. دلیل این امر آنست که کودکان و نوجوانان را بسیار راحت‌تر از بزرگسالان می‌توان برای مقاصد غیرمادی از جمله کسب افتخار و اعتبار و همچنین انتقام‌گیری ترغیب کرد. کنترل کودکان و تربیت آنان برای پذیرفتن ایدئولوژی‌های نظامی نیز بسیار آسان‌تر از بزرگسالان است، چراکه قدرت تجزیه و تحلیل و همچنین تشخیص آنان از درستی و نادرستی امور بسیار کمتر از بزرگسالان است. براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر بیش از ۳۰۰ هزار کودک سرباز در سرتاسر دنیا فعال هستند. از جمله ارتش ملی، شبه نظامیان، باندهای مافیایی، سازمان‌های تروریستی و نیروهای مقاومت در جهان از کودکان استفاده می‌کنند. براساس گزارش سازمان ملل متحد، کودک سربازان در چند کشور بطور رسمی در گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی

فعالیت دارند. این کشورها عبارتند از: افغانستان، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، عراق، مالی، میانمار، سومالی، سودان جنوبی، سودان، سوریه، یمن، کلمبیا، نیجریه و فیلیپین. بجز مناطق نامبرده شده به نظر می‌رسد که در کشورهای دیگر، کودکان به صورت غیررسمی مورد استفاده نیروهای مسلح قرار می‌گیرند. این کشورها عبارتند از: هند، پاکستان، فلسطین، لیبی و تایلند (جعفری کجور، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

در کنار بسیاری از نهادهای حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، بنیاد غیرانتفاعی «کودک سربازان بین‌المللی» نیز در تلاش است تا بر این فاجعه انسانی خط بطلان بکشد. این سازمان که مرکز آن در بریتانیاست برای جلوگیری از استخدام و بهره‌کشی از کودکان از سوی نیروهای مسلح فعالیت می‌کند (همان، ۱۰۵).

تعریف و علل بروز پدیده کودک سرباز

در تعریفی که ائتلاف بین‌المللی به منظور جلوگیری از استفاده از کودکان بعنوان سرباز ارائه داده، "کودک سرباز" هر شخص زیر ۱۸ سال که عضو هر نیروی مسلح رسمی یا غیررسمی دیگر در صورت وجود یا عدم وجود مخاصمه مسلحانه می‌باشد. در پیش‌نویس اصول کیپ تاون (سال ۱۹۹۷) کودک سرباز هر شخص زیر ۱۱ سال را شامل می‌شود که به نوعی در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح رسمی یا غیررسمی با هر سمتی حضور دارد. بر مبنای این تعریف کودک سرباز شامل کودکانی نیست که سلاح به دست گرفته‌اند بلکه کلیه کسانی که گروه‌های مسلح را همراهی می‌کنند را شامل می‌شود از جمله آشپز و پیام‌رسان (آنتونیو، ۱۳۸۷: ۱۵۴). در اصول پاریس مصوب سال ۲۰۰۷ نیز آمده: "هر شخص زیر ۱۸ سال که توسط نیروها و گروه‌های مسلح در هر ظرفیتی، پسر یا دختر، بعنوان رزمنده، آشپز، باربر، پیغام‌بر جاسوس و یا اهداف جنسی بکارگیری و یا استفاده می‌شود، اطلاق می‌گردد". این مفهوم گسترده است و تنها درگیری مستقیم کودکان خلاصه نمی‌شود (همان، ۱۵۵).

علل بروز پدیده کودک سرباز

مهمترین عوامل موثر در ورود کودکان به عرصه نبردها و مشارکت آنان در مبارزه و مخاصمه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- عوامل اقتصادی

اکثر کودکانی که بعنوان کودک درگیر در مخاصمات بکار رفته می‌شوند از خانواده‌های فقیر، بیکار و نیازمند هستند. مطالعه وضعیت بد اقتصادی در کشورهای آفریقایی و عوامل موثر بر تشدید این وضعیت از جمله جنگ، قحطی و خشکسالی را می‌توان دلیلی بر ادعای وضعیت مشابه چین انگیزه‌ای در کودکان سایر مناطق آفریقا و فقیرنشین دانست. به علاوه در مخاصمات مسلحانه، بهره‌برداری از منابع طبیعی و معدنی کشورهای جهان سوم بویژه کشورهای آفریقایی توسط شرکت‌های سرمایه‌داری خصوصی خارجی و وابسته به کشورهای پیشرفته صورت می‌گیرد، شاید در بسیاری از موارد بتوان ریشه اصلی و علت اساسی منازعه و درگیری را ناشی از تضاد منافع نیروهای دولتی و نیروهای شبه نظامی دانست که توسط سرمایه‌داران دامن زده شده و طرفین درگیر را به استفاده از کودکانی که نیروی کاری ارزان قیمت و فرمانبر هستند، ترغیب می‌نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۶).

در آفریقای زیر صحرا جنگ‌های داخلی در آنگولا-لیبریا و سیرالئون با تجارت غیرقانونی الماس حمایت مالی می‌شوند. در کشورهایی همچون افغانستان تجارت مواد مخدر توسط طرفین درگیر انجام می‌شود و در جمهور دموکراتیک کنگو که طرفین منازعه الماس، الوار، و دیگر منابع را (که در صنایع دارای تکنولوژی برتر مورد استفاده است). بهره‌برداری و بطور غیرقانونی به سایر کشورها صادر می‌کنند، استفاده از سربازان کودک جهت حفاظت از معادن و استخراج و بهره‌برداری امری رایج است (شاه، ۱۳۷۴: ۵۵).

۱۱۲

از دیگر عوامل اقتصادی موثر بر جذب کودکان و مشارکت آنان در درگیری‌های مسلحانه، تجارت غیرقانونی اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک است. رابطه این تجارت و کودک سرباز را شاید بتوان و به بهترین وجه از زبان دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، کوفی عنان، خطاب به شورای امنیت در جریان بحث علنی آن درباره موضوع سلاح‌های کوچک (۲ اوت ۲۰۰۱) نقل نمود: "تاثیر ویرانگر این سلاح‌ها بر کودکان نیازمند توجه خاصی است. کودکان از آثار مستقیم خشونت سلاح‌های کوچک مانند مرگ، جراحت یا آوارگی، از دست دادن والدین و خواهر و برادر و لطمات روحی به علت شاهد خشونت بودن، رنج می‌برند. اما عواقب غیرمستقیم دیگری مانند ویرانی تاسیسات بهداشتی و آموزشی و فقدان امکاناتی که ناشی از کندی رشد اجتماعی است نیز وجود دارد. خوب جلوه دادن سلاح‌ها نیز پیامی وحشتناک برای کودک می‌فرستند: راه‌حل‌های بدون خشونت کارآیی ندارد و غیرواقعی است و قدرت به خاطر مهارت‌ها، با هوش انسان به دست نمی‌آید بلکه حاصل ارعاب یا لطمه زدن دیگران است" (کی‌نیا، ۱۳۵۵: ۲۳). این واقعیت که کار کردن با سلاح‌های کوچک نیاز به حداقل آموزشی دارد نیز قطعا در استخدام حدود ۳۰۰ هزار کودک سرباز در جهان نقش داشته است. کودکان آسیب‌پذیرترین قربانیان اسلحه‌ها و سلاح‌های کوچک و سبک هستند و به نیازهای خاص آنان توجه کافی مبذول نشده است (همان، ۲۴).

لازم به یادآوری است که پرداختن به مساله تجارت اسلحه‌های سبک و سلاح کوچک و تدوین برنامه اقدام برای پیشگیری در ریشه‌کن کردن این تجارت با تاکید بر این نکته صورت گرفت که جامعه جهانی و دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس مربوط به این موضوع "از عواقب ویرانگر این نوع تجارت بر کودکان که یا قربانی مخاصمات مسلحانه هستند و یا مجبورند در کودکی سربازی کنند و نیز پیوند بین تروریسم، جنایات سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر و مواد معدنی گرانبها و تجارت غیرقانونی اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک اظهار نگرانی نموده و برخورد قاطع و مبارزه با چنین مواردی که مربوط به امنیت، پیشگیری از جنایت، ابعاد بشردوستانه، سلامت و توسعه می‌شود"، را خواستار شوند (ویلیام، ۱۳۸۴: ۷۵).

۲- عوامل ایدئولوژیکی

از دیگر عوامل موثر بر جذب کودکان در نیروهای مسلح و درگیر در جنگ، بهره‌گیری از اعتقادات و تعصبات مذهبی آنان و خانواده‌هایشان است. گزارش‌های ارائه شده از کشور سومالی بیان می‌دارد که نیروهای درگیر با ارتش سومالی، کودکان را از مدارس مذهبی با وعده شهادت و پاداش ابدی جذب نموده و بعنوان سرباز به خدمت خود در می‌آورند.

در بعضی از کشورها، جنگ و درگیری‌های مسلحانه جنبه اعتقادی و دفاع از ارزش‌های مورد پذیرش افراد دارد. اعتقاد به جنگ مقدس، آزادی مذهبی، مبارزه با دشمنان دین و جهاد سبب پیوستن کودکان به دلایل ایدئولوژیکی و سیاسی و یا به دلیل مقاومت در برابر بی‌عدالتی بطور داوطلبانه به گروه‌های نظامی می‌شوند (لیندمن، ۱۳۸۶: ۸۴).

۳- عوامل فردی

یکی از مهمترین دلایل جذب کودکان به نیروهای مسلح درگیر در مخاصمات مسلحانه، انگیزه‌های فردی است که ناشی از عوامل اجتماعی مانند: از دست دادن خانواده به خاطر حملات نظامی و آواره و بی‌پناه شدن کودکان و ایجاد حس انتقام‌جویی و خون‌خواهی که این موضوع در اکثر موارد سبب ورود داوطلبانه کودک به نیروهای متخاصم است. همچنین در مواردی کودک متعلق به گروه‌های خاص قومی مذهبی بوده و از سوی نیروهای دولتی یا نیروهای شبه دولتی مورد تحقیر و آزار قرار می‌گیرد، یا در مواردی برای نجات خانواده خود از تهدید قطع کمک‌های دولتی و حتی تهدید به قتل، با نیروهای نظامی همکاری و همراهی می‌نماید. "اردوگاه‌های نظامی صدام" در عراق به آموزش نظامی کودکان بین ۱۰ تا ۱۵ سال می‌پرداختند. در این دوره کودکان استفاده از سلاح، مبارزه تن به تن، فرود از هلی‌کوپتر و تاکتیک‌های پیاده نظام را

می‌آموختند و خانواده‌ها اگر از ثبت‌نام کودکان‌شان در این دوره خودداری می‌کردند تهدید به از دست دادن کارت سهمیه غذایی خود می‌شدند (شریعت باقری، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

شیوه‌های استفاده از کودکان سرباز و چگونگی ورود آنان به جنگ

از آنجا که کودکان هم توسط نیروهای حکومتی و هم توسط شبه نظامیان به عرصه مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه وارد می‌شوند، شیوه‌های استفاده این دو گروه از کودک سرباز را می‌توان به شرح زیر برشمرد: نیروهای حکومتی از کودکان بعنوان: جاسوس، خبرچین، باربر، خدمتکار، آشپز، حفاظت از معادن و بهره‌برداری از منابع معدنی و طبیعی گرانبها و نیز برای اهداف جنسی و ازدواج اجباری (در مورد دختران) استفاده می‌کنند (سلجوقی (ب)، ۱۳۸۵: ۶۵).

گروه‌های شبه نظامی از کودکان به شیوه‌های خشن‌تر و ظالمانه‌تری استفاده می‌کنند از جمله کار گذاشتن مین و مواد منفجره، غارت و تخریب اموال غیرنظامیان، مبارزه و کشتار و در وحشتناک‌ترین وضعیت بعنوان سپر انسانی. بطور کلی کودکان به دو شیوه به استخدام نیروهای دولتی و شبه نظامی در می‌آیند، دواطلبانه و اجباری (با زور). دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک حداقل سن پذیرش در نیروهای مسلح دولتی را ۱۵ سال اعلام کردند و فرقی نمی‌کند که مخاصمه بین‌المللی یا داخلی باشد. در کشورهایی که به پروتکل اختیاری ملحق شده‌اند حداقل سن استخدام را به ۱۸ سال افزایش داده‌اند (همان، ۶۶).

همچنان که قبلاً نیز اشاره شد برای جذب کودکان به نیروهای درگیر در جنگ دلایل متعدد و متفاوتی وجود دارد که موجب پیوستن دواطلبانه افراد می‌شود و نیز در زمانی که درگیر جنگ می‌شود، سیاست استخدام و بکارگیری افراد نیز تغییر نموده و بیشتر بر مبنای زور و اجبار است تا دواطلبانه، حتی به نوعی می‌توان در زمان مخاصمات مسلحانه پیوستن دواطلبانه بر مبنای تبلیغات ملی، میهنی، دینی و ... نوعی اجبار غیرمستقیم به شمار آورد. یکی از بارزترین مصادیق استخدام اجباری کودکان توسط گروه‌های شبه نظامی و حتی نیروهای دولتی از طریق ربودن کودکان صورت می‌گیرد. از دیگر عوامل پیوستن اجباری کودکان به گروه‌های درگیر، آوارگی، پناهنده شدن و جدا ماندن از خانواده است (آل حبیب، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

شیوه مقابله دولت‌ها با کودک سرباز

هرچند که اکثر دولت‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه خود به عناوین مختلف از کودکان در عرصه‌های جنگ استفاده می‌کنند و مقررات مربوط به ممنوعیت استفاد از کودکان در نیروهای مسلحانه را زیر پا می‌گذارند اما در زمانی که کودکان از سوی گروه‌های شبه نظامی و مخالف دولت و یا نیروهای متخاصم در

جنگ شرکت نموده و روبروی نیروهای دولتی قرار می‌گیرند، بعنوان یک سرباز با آنان برخورد می‌شود به همین دلیل آنان در هنگام نبرد مورد هدف قرار می‌گیرند، کشته و زخمی می‌شوند، بازداشت، و در دادگاه‌های نظامی محاکمه در پاره‌ای اوقات به اعدام محکوم می‌شدند، برای دریافت اطلاعات شکنجه شده و مورد بازجویی‌های بدون امکان برخورداری از هرگونه حمایت حقوقی، ناعادلانه محاکمه می‌شوند. بنابه گزارش دیده‌بان حقوق بشر در بین مبارزان غیرقانونی که در یک پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در خلیج گوانتانامو در کوبا بازداشت شده بودند کودکان بین ۱۳ تا ۱۵ ساله بودند آنها در ژانویه ۲۰۰۴ آزاد و به خانه‌های خود برگشتند، تعداد نامشخصی از کودکان ۱۶ تا ۱۷ ساله در آنجا ماندند و از بزرگسالان جدا نشده و از کمک‌های آموزشی بازپروری محروم ماندند (آل کجیاف، ۱۳۹۰: ۵۴).

بنابه گزارش‌های ارائه شده در مورد اسرائیل، کودکان اغلب برای دریافت اطلاعات مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. صهیونیست‌ها به بدترین شکل ممکن کودکان و نوجوانان فلسطینی را در این زندان‌ها (در مناطق اشغالی) مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند و نوجوانان فلسطینی در شرایطی مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی نگهداری می‌شوند. شاید بتوان عملکرد دولت سیرالئون را از مهمترین شیوه‌های مقابله با کودک سرباز برشمرد. در جنگ سیرالئون که با خشونت بی‌حد، غیرضروری و غیرموجه و بی‌دلیل اتفاق شمرد. غیرنظامیان قتل‌عام و اغلب قبل از قتل‌عام، مثله می‌شدند. تمامی این خشونت‌ها توسط رزمندگانی انجام می‌شد که اکثراً کودک ۱۱۵ بودند و تحت تاثیر مواد مخدر این اعمال را مرتکب می‌شدند. هدف اصلی که ایجاد رعب و وحشت و جنگ روانی در میان مردم برای کنترل معادن الماس و سایر منابع کشور بود را محقق می‌کردند. جنایات انجام یافته در این کشور سرانجام منجر به تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون توسط شورای امنیت برای رسیدگی به جرائم علیه بشریت و جنایاتی بود که در طول جنگ انجام شد. از مهمترین جنایاتی که رسیدگی به آن در صلاحیت ذاتی دادگاه تعریف شد بدرفتاری نسبت به دختر بچه‌ها و خشونت و بی‌رحمی نسبت به کودکان و برای اولین بار دادگاه بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به جرائم کودکان را پیدا کرد. به موجب ماده ۷ اساسنامه، مسئولیت کیفری کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال به رسمیت شناخته شده و دادگاه ویژه صالح به رسیدگی است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۸۴). حال آنکه در اساسنامه رم اشخاص کمتر از ۱۸ سال از تعقیب و محاکمه در امان بودند.

در پاسخ به این سوال که آیا کودکان می‌توانند برای ارتکاب جنایات مسئولیت داشته باشند و مشمول افرادی قرار می‌گیرند که دادگاه صالح به رسیدگی به جرائم آنان است. دبیرکل ملل متحد در گزارش ۱۴ اکتبر سال ۲۰۰۰ می‌گوید:

غیرقابل تصور و درک است که یک کودک بتواند پست رهبری و فرماندهی را در سلسله مراتب سیاسی و نظامی به عهده بگیرد اما در سیرالئون به کودکانی که فقط ۱۱ سال داشته‌اند درجه ژنرالی به بریگاد داده شده است. وی اشاره می‌کند که باتوجه به شدت و اهمیت جنایات ارتكابی توسط کودکان، دادگاه می‌تواند در مورد ایشان اعمال صلاحیت کند (دبیری، ۱۳۷۳: ۶۷).

هرچند در رابطه با چنین کودکانی تاکید شده که باید معیارهای بین‌المللی حقوق کودک رعایت شود (ماده ۱۷ اساسنامه)، و برای کودکان حکم زندان صادر نشود (ماده ۱۹) و نیز باتوجه به شرایط بکارگیری کودکان در جنگ‌های داخلی سیرالئون مقام مافوق را مسئول ارتكاب جنایات انجام شده دانست (بند ۳ ماده ۶) و ... اما نمی‌توان این واقعیت را انکار نمود که در دادگاه ویژه امکان تعقیب، محاکمه و مجازات کودکان سرباز مورد تایید قرار گیرد (سلجوقی (الف)، ۱۳۷۰: ۱۰۳).

ممنوعیت بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن را می‌توان اولین اسناد بین‌المللی دانست که بر مساله ممنوعیت سربازگیری کودکان پرداخته است. در بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل اول تصریح گردیده طرفین درگیر هرگونه اقدام ممکن را به عمل می‌آورند تا کودکانی که به سن پانزده سالگی نرسیده‌اند بطور مستقیم در درگیری‌ها شرکت نکنند و از فراخواندن آنان به نیروهای مسلح اجتناب خواهند کرد. در مورد افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال نیز طرفین درگیر کوشش می‌کنند اولویت را به کسانی بدهند که سن بیشتری دارند. همچنین بند ۳ ماده ۴ پروتکل دوم نیز مقرر گردید: استخدام و بکارگیری کودکانی که هنوز به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند ممنوع است. در اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹ بدون اینکه سن کودکی مشخص گردد و نیز بدون ذکر نام از جنگ و درگیری مسلحانه، تاکید گردید که "کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و با اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زند یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری یا اخلاقی وی گردد" (ماده ۹). باتوجه به بیان عام ماده می‌توان استخدام در نیروهای مسلح را نیز در زمره کارهای مذکور دانست. کنوانسیون حقوق کودک را می‌توان مهمترین سند مربوط به حقوق کودک دانست و به موجب ماده ۳۸ این کنوانسیون، حداقل سن شرکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه ۱۵ سال تعیین شده (بند ۱۲) (اعلامیه مجمع عمومی، ۱۹۷۴). همچنین بر تعهد دولت‌ها به رعایت ممنوعیت استخدام و بکارگیری افراد زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح و اولویت دادن به سن بالاتر در پذیرش ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ها تاکید گردیده است (بند ۳). مواردی که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن مورد تاکید قرار گرفته بود، با این همه در بند ۱ این ماده نیز بر احترام به مقررات حقوق بشردوستانه و تضمین این احترام از سوی دولت‌ها تاکید است (همان).

در سال ۱۹۹۳، کنوانسیون جهانی حقوق بشر در وین تشکیل و در مبحث حقوق کودک این اعلامیه تصریح می‌شود: "کنفرانس از کمیته حقوق کودک که می‌خواهد که حداقل سن قانونی جهت خدمت در نیروهای مسلح را افزایش دهد". در سال ۱۹۹۰ در منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک (ACRWC) در تعریف کودک بدون آوردن هیچ قید و استثنایی کلیه افراد زیر ۱۸ سال کودک تلقی می‌شوند و دولت‌های عضو را موظف می‌نماید که از استخدام کودکان در نیروهای مسلح خودداری کنند (بند ۲ ماده ۲۲) به علاوه بر احترام به قواعد حقوق بشردوستانه و تضمین حقوق کودک در مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه تاکید می‌نماید (همان).

نگاهی به وضعیت قاره آفریقا و افزایش درگیری‌های قومی و جنگ‌های داخلی در کشورهای مختلف این قاره و تاثیر آن بر کودکان، دلیل کافی برای تدوین و تصویب منشور فوق‌الذکر است. به علاوه تلاش در ابعاد مختلف برای تامین، تضمین و حمایت از کودکان به ویژه کودکان متاثر از جنگ ادامه یافت و از جمله این تلاش‌ها، برگزاری همایش با عنوان "پیشگیری از سربازگیری اجباری، خلع سلاح کودکان سرباز و بازگشت کودکان سرباز به اجتماع" در کپ تاون آفریقای جنوبی در ۱۹۹۷ بود که منجر به تدوین "اصول و بهترین رهنمودهای کیپ تاو" گردید. اصول کیپ تاون بر سه محور زیر استوار است.

الف) پیشگیری از استخدام و بکارگیری کودکان سرباز؛

ب) خلع سلاح کودکان سرباز (مرخص‌سازی آنان)؛

ج) بازگرداندن کودکان سرباز به کانون خانواده‌هایشان و به جامعه.

برای تحقق محور اول، افزایش حداقل سن شرکت در درگیری‌های مسلحانه از ۱۵ سال به ۱۸ سال، پذیرش و اجرای مفاد اسناد و موازین بین‌المللی و منطقه‌ای مانند کنوانسیون ژنو، کنوانسیون حقوق کودک، منشور استخدام داوطلبانه نیز از مباحث مورد توجه در این کنفرانس بود. به همین جهت پیشنهاد شد دولت‌ها برای استخدام داوطلبانه نیز مبنای ۱۸ سالگی را در قوانین داخلی خود وارد نموده و برای اینکه از سوء استفاده دولت‌ها از کودکان فاقد شناسنامه و بی‌هویت که به ویژه در مناطق جنگ زده تعدادشان بسیار است جلوگیری شود، ارائه سند معتبر برای احراز سن داوطلب یا نیروی اعزامی برای شرکت در جنگ ضروری اعلام شود (شاو، پیشین: ۹۶).

تعهدات و اصول پاریس

همچنین در فوریه سال ۲۰۰۷ کنفرانس مشترکی توسط دولت فرانسه و یونیسف در پاریس برگزار شد که در حقیقت با گذشت ده سال از تدوین اصول کیپ تاون و واقعیات جدیدی از پدیده کودکان سرباز و آثار آن

در عرصه بین‌المللی، برای به روز نمودن اصول کیپ تاون بود. در این کنفرانس نمایندگان ۵۸ دولت در سطح وزیر، ۷۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی و کارشناسانی از کشورهای مختلف حضور داشتند. حاصل کار این کنفرانس دو متن است که به نام تعهدات پاریس و اصول پاریس معروف هستند. پس از این کنفرانس در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیز جلساتی برای پیگیری و ارزیابی مصوبات برگزار شده است. در تعهدات پاریس کشورهای شرکت کننده در کنفرانس خود را متعهد به پایان غیرقانونی و بکارگیری و استفاده از کودکان در تمام دنیا در نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح کردند و خواستار الحاق کشورها به اسناد بین‌المللی و همچنین اجرای این اسناد توسط همکاری بین‌المللی گردیدند. وزرا و نمایندگان کشورهای شرکت کننده در این تعهدات بر آگاهی جمعی در مورد کودکان آسیب دیده از جنگ، شناسایی آزارهای فیزیکی، احساسی، روحی و روانی و اجتماعی ناشی از نقض حقوق آنها در جنگ تاکید ورزیده و خواهان تعهد به مشخص کردن و اجرای راه‌حل‌های نهایی برای غلبه به مشکلات ناشی از بکارگیری و استفاده و غیرقانونی از کودکان در مخاصمات مسلحانه است (کی‌نیا، پیشین: ۱۶).

در سال ۱۹۹۵، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در بیست و ششمین کنفرانس خود، سربازگیری و مشارکت کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح را بعنوان نقض حقوق بشردوستانه شدیداً محکوم نموده و ضمن تقاضای محاکمه عاملان و مجازات آنها، توصیه می‌نماید طرفین مخاصمه از مسلح کردن افراد زیر ۱۸ سال خودداری و هرگونه اقدام ممکن را تضمین عدم مشارکت کودکان زیر ۱۸ سال اتخاذ نماید. از دیگر اسنادی که بر ممنوعیت بکارگیری کودک سربازها تاکید نموده اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم است. در این اساسنامه ضمن تایید دوباره حقوق بشردوستانه، بکارگیری کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا مشارکت فعال‌شان در مخاصمات مسلحانه، جنایت جنگی و جنایت تحت صلاحیت دیوان است اعم از اینکه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی صورت گرفته باشد یا مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (ماده ۸). در حقیقت استخدام و بکارگیری کودکان توسط نیروهای شبه نظامی نیز مانند استخدام اجباری، جنایت جنگی است، اساسنامه وضعیت‌هایی را که کودکان مستقیماً در جنگ و نبرد دخالت داده نمی‌شوند بلکه در کارهای پشتیبانی و لجستیکی بکار گرفته می‌شود را استثنا می‌کند. ماده ۲۶ دیوان مقرر می‌دارد: "دیوان نسبت به جرایم اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند، صلاحیت نخواهد داشت".

بنابه اظهار صاحب‌نظران "تحت این شرایط هر فرد ۱۵ تا ۱۸ سال که بعنوان رزمنده در نظر گرفته می‌شود برای ارتکاب جنایت جنگی آزاد است بدون اینکه خطر وجود داشته باشد که تحت تعقیب قانونی دیوان قرار گیرد. واقعیتی که می‌تواند محرکان جنگ را تشویق کند آنها را به استخدام درآورد یا به زور به ارتکاب خشونت و وحشی‌گری وادار سازند".

هرچند در دادگاه ویژه سیرالئون مسئولیت کیفری کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال را به رسمیت شناخته و دادگاه را صالح به رسیدگی به جرایم ایشان شناخت. اما اشکال فوق همچنان پا برجاست زیرا این مورد ویژه بوده و قابلیت تعمیم ندارد.

در سال ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار (ILO) در مقاله‌نامه شماره ۱۸۲، استخدام اجباری کودکان زیر ۱۸ برای شرکت در مخاصمات مسلحانه را بعنوان یکی از بدترین اشکال کار کودک تلقی نموده و آن را محکوم می‌نماید (بند الف ماده ۳). در این مقاله‌نامه همچنان از دولت‌ها درخواست می‌شود که با نظارت مستمر و بکارگیری تمامی معیارهای لازم و مناسب برای ریشه‌کن کردن اینگونه کارها اقدام نمایند (آل حبیب، پیشین: ۱۱۵).

از آنجا که حفظ عالی‌ترین منفعت کودک، ممنوعیت مشارکت و بکارگیری کودکان کمتر از ۱۸ سال در مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه را ایجاب می‌کند و عملکرد دولت‌ها و مجوز استفاده از کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال هم براساس کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳۸) موجب حضور کودکان بسیاری در جبهه‌ها و میدانی جنگ‌های خشونت‌بار زیادی به ویژه در قاره آفریقا (رواندا، سودان و سومالی و ...) شده بود، در نهایت مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ پروتکل اختیاری شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه را تصویب و حداقل سن مشارکت اجباری را از ۱۵ سال به ۱۸ سال افزایش داد و به الزام دولت‌ها به اتخاذ تدابیری برای ۱۱۹ جرم شناختن استخدام و بکارگیری افراد زیر ۱۸ سال و نیز حمایت ویژه از داوطلبان زیر ۱۸ سال و نیز ممنوعیت گروه‌های مسلح از استخدام افراد زیر ۱۸ سال تاکید نمود (همان، ۱۱۶).

لازم به ذکر است در بیست و هفتمین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ ویژه کودکان در دولت‌ها توصیه شده است برای توقف استخدام و استفاده از کودکان بعنوان سرباز در جهت پیوستن به این پروتکل و مقاله‌نامه ۱۸۲ (ILO) تسریع نمایند. در حالیکه در سال ۲۰۰۵ میثاق حقوق کودک در اسلام تنها با متعهد نمودن دولت‌های عضو به اتخاذ تدابیر لازم جهت: "حفاظت از کودکان بواسطه عدم درگیر نمودن آنها در مخاصمات مسلحانه یا جنگ‌ها" (بند ۵ ماده ۱۷)، ممنوعیت بکارگیری کودکان در جنگ را تاکید نمود. موانع موجود در مبارزه با بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه، در بند ۳۴۷ متن گزارش دبیرکل در سال ۲۰۰۱ تحت عنوان "ما کودکان" یافت: تجارت جهانی اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک و تکثیر آنها، همراه با مین‌ها، مهمات منفجر نشده دیگر، همچنان زندگی روزمره کودکان را تهدید می‌کنند. منافع اقتصادی، طمع‌ورزی و تلاش برای کنترل منابع طبیعی دلیل ادامه مناقشات بوده است.

نقش آفرینان خصوصی چه داخلی و چه خارجی، از هرج و مرج و فقدان پاسخگویی سود می‌برند و مدارک فراوانی از مسئولیت بعضی از صنایع در برافروختن جنگ‌هایی که باعث نقض شدید حقوق کودکان می‌شود،

به دست می‌آید. سوء استفاده از کمک‌های انسان‌دوستانه در دسترسی محدود قربانیان نیز تأثیری مستقیم بر بعضی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه دارد. با مطالعه وضعیت کشورهای درگیر در جنگ مشخص می‌شود که اکثر این کشورها دارای منابع و ذخایر طبیعی غنی و قابل توجهی هستند از جمله: ذخایر سرشار از نفت در کشورهای همچون عراق و سودان. معادن الماس در سیرالئون و ... که طبیعتاً منافع اقتصادی دولت‌های پیشرفته صنعتی را به همراه دارد. و نیز سود سرشار از تجارت اسلحه که بطور عمده به جیب تاجران و تولید کنندگان اینگونه سلاح‌ها یعنی همان کشورها و سرمایه‌داران خصوصی آنها می‌رود و بعنوان پرسودترین تجارت جهان شناخته می‌شود.

قاچاق کودکان برای سوء استفاده از آنان در بازار کار بعنوان نیروی ارزان قیمت، استفاده از آنان برای فحشا و سوء استفاده جنسی، قاچاق اندام‌های بدن و ... نیز سبب می‌شود که استفاده از کودکان در جنگ از طریق ربودن و قاچاق آنان تجارت از این طریق، حضور کودکان در میدان نبرد را پررنگ‌تر نماید. شاید بتوان موانع موجود را در دو بحث عمده موانع مربوط به دولت‌ها و نیز موانع بین‌المللی قابل طرح دانست. ساختار حکومتی، عملکرد اجرایی دولت‌ها و سیستم قانونی آنها از عمده‌ترین عوامل موثر در این رابطه است. ضعف سیاسی در وابستگی به قدرت‌های تصمیم‌گیرنده بین‌المللی، وضعیت بد اقتصادی، تفرقه و اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای و عدم وجود دولتی مقتدر برای ایجاد وحدت و یکپارچگی ملی، عدم برنامه‌ریزی مناسب به دلیل فقدان اطلاعات و تحقیقات در مورد کودکان درگیر در جنگ و وجود کودکان بدون هویت و فاقد شناسنامه و ... از مهمترین موانع و عوامل ساختاری دولت‌ها است.

نبود قانون، نداشتن اجرایی مناسب قانونی و عدم قاطعیت اجرایی در این موجود نیز از موانع مهم در این زمینه است. هنگامی که سن قانونی ورود به نیروهای مسلح و شرکت در مخاصمات مسلحانه ۱۵ سال تعیین می‌شود و تضمین لازم برای احراز این حداقل، در خصوص کودکان داوطلب پیش‌بینی نشده، مسئولیت‌گیری چشم‌پوشی دولت‌ها از تخلفات تعیین نمی‌شود. در کنار عوامل دیگر دست دولت‌ها و سایر نیروهای شبه نظامی را برای استفاده از کودکان باز می‌گذارد و همچنین زمانیکه حتی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رسیدگی به جرایم زیر ۱۸ سال در صلاحیت دیوان نیست، دولت‌ها به استفاده از کودکان تشویق می‌شوند.

در عرصه بین‌المللی نیز از مهمترین موانع می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) نبود ضمانت اجرایی لازم برای پیشگیری از تجاوزات، خطاها و نبود مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در این خصوص؛

ب) عدم همکاری دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در دستیابی به اهداف مندرج در قواعد و اسناد بین‌المللی؛

ج) برتری تصمیمات سیاسی بر موازین و مبانی حقوقی به ویژه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی.

به نظر می‌رسد برای ثمردهی مبارزه بکارگیری کودکان در نبردهای مسلحانه لازم است. اقدامات چند از سوی نهادهای بین‌المللی و دولت‌های درگیر صورت گیرد از جمله:

(الف) توقف استخدام و بکارگیری کودک سربازها توسط دولت‌ها و نیروهای شبه نظامی؛

(ب) الحاق و تضمین اجرای مفاد اسناد بین‌المللی از جمله پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک و مقاوله‌نامه سازمان بین‌المللی کار؛

(ج) تضمین مجازات عاملان جنایات جنگی علیه کودکان و بکارگیری کودکان در دادگاه‌های بین‌المللی؛

(د) کنترل تجارت غیرقانونی اسلحه کوچک و تولید و استفاده از مین‌ها ضد نفر؛

(هـ) افشای فعالیت شرکت‌ها، نهادها و موسسات خصوصی اقتصادی که از نقض قواعد حقوق بشری و بشردوستانه سود می‌برند (جعفری کجور، پیشین: ۳۷).

حمایت از کودک سرباز مجرم

قوانین داخلی کشورها و نیز اسناد بین‌المللی، به جرائم نوجوانان به این دلیل که آنها هنوز به حد توانایی درک کامل اعمال خود نرسیده‌اند با بزرگسالان متفاوت است و این تفاوت هم از جنبه شکلی (آئین دادرسی) و هم از جنبه ماهوی بوده و درخصوص کودک سربازها نیز قابل تعمیم است. هرچند کودکان سرباز در ۱۲۱

درگیری‌های مسلحانه مشارکت مستقیم دارند و در مواردی همچون سایر رزمندگان عمل می‌کنند اما نمی‌توان بنابه دلایل فوق ایشان را دارای مسئولیتی یکسان با بزرگسالان دانست و مانند بزرگسالان وی را محاکمه و مجازات نمود. در اسناد بین‌المللی به چگونگی دادرسی ویژه کودک سربازهای مجرم اشاره‌ای نشد. اما بطور کلی می‌توان چنین کودکی را نیز مصداقی از کودکان مجرم تلقی نموده و در جهت حمایت از حقوق وی موازین. مقررات مورد اشاره در اسناد ویژه کودکان بزهکار را اعمال نمود. این اسناد به شرح زیر است:

۱- حداقل قوانین لازم و قابل قبول از نظر سازمان ملل متحد در اداره امور قضایی نوجوانان (قواعد پکن و قطعنامه شماره ۱۰/۳۳ مجمع عمومی نوامبر ۱۹۸۵)؛

۲- رهنمودهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از جرائم نوجوانان (رهنمودهای ریاض)؛

۳- قواعد سازمان ملل متحد در حمایت از نوجوانانی که از آزادی محروم شده‌اند (قطعنامه‌های شماره ۴۵/۱۱۲ و ۴۵/۱۱۳ مجمع عمومی، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰)؛

۴- کنوانسیون حقوق کودک (بطور عمده مواد ۳۷ و ۴۰).

به موجب این اسناد حقوق بشر کودکان مجرم باید محترم شمرده و از سوی دولت‌ها تضمین و حمایت گردد. با کودک محروم از آزادی باید با رفتاری انسانی برخورد نموده و نیازهای خاص وی مورد توجه و تاکید گیرد.

در هنگام ورود به سیستم قضایی باید حق او در برخورداری از دادرسی عادلانه محترم شمرده شود. اعمال شکنجه، رفتارهای توهین‌آمیز و ... که مغایر با کرامت انسانی از جمله کودک است ممنوع بوده و مجازات سنگین اعدام یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی در مورد کودک نباید اعمال گردد. محاکمه کودک متهم یا محکوم باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود، محاکمه باید عادلانه بوده و کودک زندانی باید جدای از بزرگسالان نگهداری شود، از حق دفاع توسط وکیل برخوردار بوده و ... (دبیری، پیشین: ۹۶).

از دیگر اسنادی که در خصوص کودک سربازان مجرم باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد اساسنامه رم است. به موجب ماده ۲۶ اساسنامه، دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به اعمال مجرمان بالای ۱۸ سال دارد. و نمی‌تواند افراد کمتر از ۱۸ سال را تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد. اما در جریان تشکیل دادگاه سیرالئون مسئولیت کودکان مجرم زیر ۱۸ سال و اعمال صلاحیت دادگاه در مورد رسیدگی به اعمال ارتکاب آنان مطرح شد. در این خصوص دبیرکل سازمان ملل متحد برای فرستادن یک پیام اخلاقی و عبرت‌آموز به نسل فعلی و آینده کودکان سیرالئون، تصمیم می‌گیرد که دادگاه ویژه بتواند نسبت به کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال و نه پایین‌تر از آن اعمال صلاحیت کند. بر مبنای پذیرش قاعده مسئولیت آمر قانونی، مقام مافوق مسئولیت ارتکاب و جرایم جنگی را به عهده داشته باشد (همان، ۹۷).

هرچند، برداشتن مسئولیت کیفری از شانه کودکان برای حمایت از ایشان و فراهم آوردن بازگشت آنان به جامعه است همچنانکه در اساسنامه رم نیز به دادستان حق داده شد که از تعقیب جنایتکاران جنگی در صورتی که به منع قربانیان باشد، اجتناب کند ولی باید بدین مهم توجه نمود که هدف از مجازات‌ها پیشگیری از جرایم جدید و جنبه بازدارندگی و تحقق عدالت و صلح است و مقرراتی همچون ماده ۲۶ اساسنامه در ترغیب دولت‌ها و نیروهای شبه نظامی به استفاده از کودکان و برای ارتکاب جنایات جنگی نقشی موثر و انکارناپذیر دارد.

در ماده ۱۹ میثاق حقوق کودک، حمایت از حقوق کودک مجرم از جمله کودک سرباز به خوبی در انطباق با مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک تعریف شده است. تنها مورد انتقاد آن است که: تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری را به عهده کشورهای عضو گذارده شده است. حال آنکه برای حمایت از کودکان درگیری‌های مسلحانه و کودکان سرباز که مرتکب جرایمی در هنگام نبرد می‌شود، تعیین سن خاص بعنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مبنای مناسبی برای استانداردسازی و یکسان‌سازی عملکرد دولت‌ها و تقریب به موازین بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک است و منافاتی با آزادی دولت‌ها در تعیین سن بلوغ و پایان دوران کودکی ندارد (همان، ۹۹).

نتیجه‌گیری

علیرغم قوانینی که حقوق بشر در مورد کودکان مورد تصویب قرار داده است با این وجود هزاران کودک در جنگ‌ها مشارکت فعالانه دارند و خودشان قربانیان بیگناه این حوادث هستند دولت‌ها مسئولیت اولیه پایان بخشیدن به این موقعیت‌ها را دارند و بنابراین متعهد به تصویب معاهدات حمایت‌کننده از کودکان در مخاصمات مسلحانه هستند و نیز باید اقدامات ملی منطبق با سیستم‌های قانونی‌شان را به منظور اجرای این معاهدات به انجام رسانند خواه به صورت ادغام در سیستم قانونگذاری کشورها، خواه به سایر اشکال، مقصود از انجام این اقدامات توانمند کردن دولت‌ها در احترام و تضمین احترام به قوانین موارد این معاهدات حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه است. شایسته است به منظور محدود کردن هرگونه تصدی مبنی بر استفاده یا سوء استفاده از کودکان در جریان جنگ‌ها اعم از داخلی و بین‌المللی نسبت به اجرای قوانین فوق‌الذکر که متضمن بالاترین میزان حمایت قانونی از کودکان تاکنون است. اولویتی در مقایسه با قوانین داخلی ناقص بسیار از کشورها تأمل شد و از این طریق تبعات شوم مخاصمات را نسبت به کودکان کاهش داد. لازم است تلاش‌های وسیعی در زمینه ارتقا آگاهی و توافق نسبت به پذیرش حقوق بشردوستانه به منظور تضمین اقدام واقعی به حقوق کودکان صورت گیرد. بنابراین دولت‌ها باید مفهوم حمایت خاص از کودکان را در آموزش‌ها و نیز تمرینات در تمامی سطوح نظامی در زمان صلح وارد کنند.

۱۲۳

فهرست منابع

- ۱- آل حبیب، اسحاق (۱۳۸۷)، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، چ ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- آل کجیاف، حسین (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: انتشارات جنگل.
- ۳- آنتونی، راجرز (۱۳۸۲)، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، مترجم: کمیته ملی حقوق بشردوستانه، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۴- آنتونیو، کسه (۱۳۸۷)، حقوق کیفری بین‌المللی، مترجم: حسین پیران و دیگران، چ ۱، تهران: انتشارات جاودانه.
- ۵- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، دیوان کیفری بین‌المللی: ناکامی و کامیابی، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- ۶- اعلامیه مجمع عمومی مصوب ۱۶ می ۱۹۷۴، شماره ۳۳۱۸ در مورد حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۸- جعفری کجور، فریبا (۱۳۸۶)، «حمایت بین‌المللی از کودکان گرفتار در مخاصمات مسلحانه»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه مفید قم.

- ۹- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۳)، **حقوق بین‌الملل کیفری**، چ ۱، بی‌جا: نشر میزان.
- ۱۰- دبیری، محمدرضا (۱۳۷۳)، **جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل**، چ ۲، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۱- سلجوقی(الف)، محمود (۱۳۷۰)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، چ ۱، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۲- سلجوقی(ب)، محمود (۱۳۸۵)، **بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: نشر میزان.
- ۱۳- شاه، ملکم (۱۳۷۴)، **حقوق جزای بین‌الملل**، مترجم: محمدحسین وقار، چ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۴- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۴)، **حقوق کیفری بین‌المللی**، چ ۱، بی‌جا: انتشارات جنگل.
- ۱۵- کی‌نیا، مهدی (۱۳۵۵)، «علل بزهکاری کودکان و نوجوانان و جوانان»، **مجله مهنامه قضایی**، ش ۱۳۲.
- ۱۶- لیندمن، لیندا (۱۳۸۶)، «ازدواج، کودک‌آزاری و بزه‌دیدگی جنسی ثانویه»، مترجم: نوروز کارگری، **فصلنامه فقه و حقوق**، س ۱۴.
- ۱۷- ویلیام ا. شبت (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی**، مترجمین: باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.